

بررسی اجزای پژوهشهای حسابداری و حسابرسی



دکتر یحیی حساس یگانه

در هر پژوهش علمی، محیط پژوهش تاثیر انکار ناپذیری بر ایده، پژوهشگر و روش پژوهش دارد. در مقاله حاضر به محیط و روش پژوهش که از اجزای اصلی هر پژوهش علمی است، پرداخته شده است. انجام یا عرضه نتایج پژوهشهای حسابداری و حسابرسی در امریکا، همانند سایر کالاها و خدمات، تابعی از تقاضا برای آن است. تقاضای آموزشی، اطلاعاتی و توجیه برای پژوهشهای حسابداری و حسابرسی به طور همزمان در امریکا وجود دارد و برای پاسخگویی به این تقاضاها، این پژوهشها در دانشگاهها و مراجع حرفه ای آن کشور، انجام می شود. در کشور ما محیط پژوهش و تقاضا برای انجام آن، این گونه نیست و تنها تقاضای تامل پذیر موجود در محیط، تقاضای آموزشی است. به این تقاضا با همت همکاران صاحب نظر دانشگاهی و برای توسعه و گسترش دانش حسابداری و حسابرسی حسب مورد در مقاطع تحصیلات تکمیلی، پاسخ داده می شود. نوع پژوهشها، روشهای پژوهش مورد استفاده، طرحهای پژوهش و روشهای جمع آوری داده ها در پژوهشهای انجام شده در هر دو کشور، کم و بیش مشابه به نظر می رسد.

آغاز سخن

صاحب نظران با دیدگاههای گوناگون اجزای پژوهش را طبقه بندی می کنند. با این همه، آنچه در این دیدگاهها مشترک به نظر می رسد این است که پژوهش، فعالیتی است که دربرگیرنده چهار جزء است:

● ایده،

● پژوهشگر،

● روش پژوهش،

● محیط.

نتیجه هر تلاش پژوهشی، فرآورده مشترک روابط متقابل این چهار جزء است. بی گمان، هر پژوهش تحت تاثیر عوامل محیطی است که در آن انجام می شود و محیط سرچشمه دانسته ها و ایده ها است. افزون بر این، روش پژوهش مناسب موجب اعتبار پژوهش است. میزان بهینه بودن یک ایده پژوهشی تا اندازه زیادی به این نکته بستگی دارد که پژوهشگر تا چه اندازه شایسته است. دانش، توانمندی و شایستگی یک پژوهشگر ممکن است به مطالعات، تجربه و محیط علمی او بستگی داشته باشد. از آنجا که محیط پژوهش و روش پژوهش از اجزای اصلی و بااهمیت

فعالیت‌های پژوهشی است، در مقاله حاضر در مقام مقایسه، ابتدا به محیط پژوهش و در پی آن روش پژوهش در امریکا و کشور ما، پرداخته شده و در پایان مقاله نتیجه گیری انجام شده است.

محیط پژوهش

مطالعات انجام شده و بررسی مختصر وضعیت موجود، حکایت از آن دارد که در امریکا، پژوهش‌های حسابداری و حسابرسی همانند سایر کالاها و خدمات اقتصادی است. جرج استیگر (Stigler, 1976) اقتصاددان برجسته، معتقد است: "مصرف کنندگان عموماً تعیین می کنند که چه چیزی تولید شود و تولید کنندگان از کشف تقاضای مصرف کنندگان سود می برند و آن را ارزانتر تولید می کنند. بهتر است بگوییم که مصرف کنندگان تولید را هدایت می کنند. در این صورت، آیا آنها نیستند که کلام و عقاید خردمندان را هدایت می کنند؟" بنابراین، عرضه پژوهش‌های مذکور تابعی از تقاضای آن است و این تقاضا در محیط پژوهشی امریکا وجود دارد. به نظر می رسد، تازمانی که تعداد زیادی از افراد و گروه‌های قادر به انجام و ارائه پژوهش‌های حسابداری و حسابرسی با هزینه مناسب وجود دارند، عرضه به تقاضا پاسخ خواهد داد. در امریکا سه نوع تقاضای بالقوه شامل تقاضای آموزشی، اطلاعاتی و توجیه به طور همزمان برای انجام پژوهش وجود دارد و برای پاسخگویی به این تقاضاها، پژوهش‌ها در دانشگاهها و موسسه‌های حرفه‌ای شکل می گیرد، در صورتی که در کشور ما این گونه نیست.

تقاضای آموزشی

از ابتدایی ترین تقاضاها برای پژوهش، تقاضای آموزشی است و به تبع آن پژوهش‌های حسابداری و حسابرسی برای گسترش و توسعه آنها، انجام می شود. دیدگاهها و یافته‌های مختلف در مورد مفاهیم، اصول و روشهای حسابداری و حسابرسی پس از پژوهش‌های دانشگاهها و مراجع حرفه‌ای، منتشر می شود و در پی آن اصول و روشهای حسابداری برای کاهش هزینه‌های نمایندگی تدوین می گردد. از آنجا که هزینه‌های نمایندگی در شرکت‌های مختلف متفاوت است، روشهای حسابداری متفاوت مورد نیاز خواهد بود و موجب گوناگونی روشها نیز خواهد شد. افزایش روشها و گوناگونی آنها، مشکل آموزش حسابداری و حسابرسی

از ابتدایی ترین تقاضاها

برای پژوهش

تقاضای آموزشی است و

به تبع آن پژوهش‌های

حسابداری و حسابرسی

برای گسترش و

توسعه آنها

انجام می شود

را افزایش می دهد. در صورتی که پژوهش‌های گسترده برای یافتن روشهای مناسب انجام شود و توسعه یابد، استادان برای آموزش مناسب از آنها استفاده کرده و تقاضای آموزشی خود را رفع می کنند و در غیراین صورت، روشهای قدیمی را آموزش خواهند داد. در پاسخ به تقاضای آموزشی، پژوهشگران سیستمهای حسابداری و مالی و اطلاعات حاصل از آنها را مورد پژوهش قرار داده، آزمون نموده و تفاوتها و شباهتهای روشها را خلاصه کرده و گزارش خواهند کرد. این موضوع موجب خواهد شد که واحدهای اقتصادی روشهای معینی را دنبال کنند و به کار گیرند و در پی آن روشهای مذکور، در دانشگاهها و مراجع حرفه‌ای آموزش داده شده و بدین ترتیب به تقاضای آموزشی پاسخ داده خواهد شد. مقاله‌ها و متون پژوهشی سده نوزدهم و اوایل سده بیستم در امریکانیز حکایت از وجود تقاضای فراوان آموزشی برای انجام پژوهش دارد. افزون بر این، در طی سده گذشته و دوران اخیر یکی از دلایل انجام پژوهش‌های حسابداری و حسابرسی، وجود تقاضای فراوان آموزشی است که به وسیله دانشگاهها و موسسه‌ها و مراجع حرفه‌ای امریکا، حسب مورد به آن پرداخته شده است و نتایج رابه جامعه عرضه کرده‌اند. در کشور ما تقاضای بالقوه آموزشی وجود دارد و در مقاطع تحصیلات تکمیلی به همت والای همکاران دانشگاهی به آن پاسخ داده می شود.

تقاضای اطلاعاتی

مدیران، حسابداران، حسابرسان مستقل، اعتباردهندگان، سرمایه گذاران، تحلیلگران مالی و تمام گروههای ذینفع و فعال

سائدر (Sunder, 1973)، هریسون (Harrison, 1977)، عبدالخالق (Abdelkhalik, 1973)، کندی (Kennedy, 1975)، لیبی (Libby, 1975)، دیویس، بوتسمن و باسکین (Davis, Boatsman & Baskin, 1975)، عبدالخالق، تامپسون و تیلور (Abdelkhalik, Thompson & Taylor, 1978)، اشتون (Ashton, 1974)، جوپس (Joyce, 1976) و... نام برد. حمایت‌های مادی و معنوی گروه‌های ذینفع از پژوهش‌های مذکور، حکایت از پاسخ به تقاضای اطلاعاتی آنان دارد.

تقاضا برای توجیه

یکی دیگر از تقاضاهایی که براساس آن پژوهش‌های متعدد حسابداری، حسابرسی و مالی انجام می‌شود، تقاضای توجیه عمل مدیران، حسابداران، حسابرسان و دولت (فرایند سیاسی) است. به عنوان مثال: مدیران، حسابداران و حسابرسان نسبت به تاثیر و توجیه انتخاب روش‌های استهلاک بر سود شرکتها، نیازمند پژوهش‌های مناسبند. دولت نیز به دلیل تاثیر روش‌های مختلف استهلاک بر سود شرکتها و به تبع آن بر مالیات، نیازمند توجیه انتخاب نوع روش‌های مذکور است. مدیران، حسابداران و حسابرسان انگیزه‌هایی برای افزایش رفاه خود و سهامداران دارند، بنابراین در جهت انگیزه‌های مذکور، پژوهش‌های حسابداری، حسابرسی و مالی را به دلایل نفع شخصی حمایت می‌کنند و برای توجیه عملیات خود به آن نیاز دارند. پژوهش‌های اولیه در مورد هزینه‌های استهلاک و توجیه عملیات مدیران مثل پژوهش ماتسون (Matson, 1893)، پژوهش‌هایی از این دست است. برخی از پژوهش‌های انجام شده تقاضای توجیه استدلال حسابرسان در برابر مدیران را پاسخ داده است. حسابرسان و مدیران هر دو نیازمند پژوهش برای توجیه رفتارشان در مورد افزایش رفاه سهامداران هستند. در امریکا، مقامات اداری، سیاستمداران و دولتمردان انگیزه‌هایی برای جابه‌جایی ثروت دارند و اقتصاددانان اثباتی معتقدند فرایند سیاسی، جولانگه‌ای برای جابه‌جایی ثروت است. در فرایند سیاسی، قوانین و نظارت‌های دولتی ضمن افزایش تقاضای آموزشی و اطلاعاتی، تقاضای توجیه را نیز افزایش می‌دهد و پژوهش‌های حسابداری، حسابرسی و مالی برای پاسخ به این تقاضاها، انجام می‌شود. متون پژوهشی متعدد در مورد کمیسیون بورس و اوراق بهادار برای توجیه نظارت‌های دولتی گواه این مدعا است. دولتمردان،

در بازارهای پول و سرمایه، نیازمند شناسایی و پیشبینی آثار سیاست‌های مالی و روش‌های حسابداری برگزیده شده بر رفاه خویش‌اند. به عنوان مثال، مدیران و سایر گروه‌های ذینفع در شرکتها، نیازمند شناسایی و پیشبینی اثرات فرایند انعقاد قراردادها و روش‌های مختلف حسابداری بر انگیزه مدیران و به تبع آن بر ارزش شرکت هستند. همچنین به خدمات حسابرسان مستقل برای افزایش کارایی در کنترل فرایند انعقاد قراردادها در شرکتها نیاز هست. از این رو حسابداران، حسابرسان و مدیران انگیزه‌های بااهمیتی برای درک و چگونگی تاثیر روش‌های حسابداری و مالی بر هزینه‌های انعقاد قرارداد و هزینه‌های نمایندگی دارند. بنابراین گروه‌های ذینفع از منافع اطلاعات آگاهند و می‌دانند که اطلاعات مناسب موجب کاهش ریسک، اصلاح تصمیمگیری و ایجاد منافع خواهد شد. این گروه‌ها بیشتر نیازهای اطلاعاتی خود را از طریق سیستم‌های حسابداری و مالی دریافت می‌کنند. بنابراین، نیازهای اطلاعاتی گروه‌های ذینفع موجب می‌شود که پژوهش‌های حسابداری، حسابرسی و مالی به سمت موضوعاتی چون، «گزارشگری مالی»، «چه پدیده و رویدادی گزارش شده»، «به چه کسی گزارش شود»، «در چه مقطع زمانی گزارش شود»، «در چه سطحی گزارش شود» و «تمرکز اطلاعات چگونه باید باشد»، گرایش پیدا کند و در نهایت پژوهش‌های اخیر به سمت مطالعه متقابل میان گزارشگری مالی و استفاده کنندگان اطلاعات مالی و حسابداری و قیمت سهام گرایش یابد. در این مورد به عنوان نمونه می‌توان از پژوهش‌های بی‌ور (Beaver, 1968)، بال و براون (Ball & Brown, 1968)، باسکین (Baskin, 1972)،



نه تنها برای آگاهی از رویدادهای مالی، روند بازار و کنترل آن، بلکه برای توجیه اعمال و تصمیم‌هایشان برای جامعه خواهان پژوهش هستند. در توجیه سیاست‌گذاری مالی و اقتصادی، دولتمردان بیشتر تاکید بر نفع عمومی دارند تا **نفع شخصی**^۳ و ادعای کنند که بارفاه کل جامعه، رفاه تک تک اعضای آن حاصل خواهد شد. بنابراین، تاکید بر نفع عمومی به جای نفع شخصی توسط دولتمردان، نیازمند پژوهش‌های فراوانی در حوزه‌های حسابداری، حسابرسی و مالی است. تقاضا برای توجیه در فرایند سیاسی و بازار پول و سرمایه وجود دارد. با این همه، سوابق پژوهش‌های انجام شده حکایت از آن دارد که تقاضای توجیه در فرایند سیاسی بیشتر از بازار مذکور است. استفاده‌کنندگان نتایج پژوهش‌ها (گروه‌های ذینفع)، نوع پژوهش را از طریق تقاضای مورد نظر تعیین می‌کنند و شهرت و مهارت‌های علمی پژوهشگر، موجب می‌شود که بودجه‌های پژوهشی به سوی پژوهشگر مورد نظر و دانشگاه و یا موسسه

حسابرسان و

مدیران

هر دو نیازمند پژوهش

برای توجیه رفتارشان

در مورد افزایش

رفاه سهامداران هستند

حرفه‌ای سرازیر شود. موضوعها و مباحث هنگامی در جامعه مطرح می‌شود که گروه‌های ذینفع در مورد آنها اتفاق نظر نداشته باشند و منافع این گروه‌ها تامین نشده باشد. به عنوان مثال می‌توان از چالش گروه‌های ذینفع در مورد روش ارزشگذاری **لایفو** (LIFO)^۴ در دهه ۱۹۳۰ نام برد. این موضوع هنگامی مطرح شد که دادگاه عالی آمریکا، روش موجودی پایه در ارزیابی موجودیهای جنسی برای هدفها و مقاصد مالیاتی را بی اعتبار اعلام کرد و موسسه نفت آمریکا به کارگیری روش لایفو را توصیه نمود و روش موجودی پایه را تغییر داد. **اداره خدمات درآمدهای داخلی**^۵، به دلیل تاثیر موضوع بر درآمدهای مالیاتی در این مورد مقاومت نشان داد.

گروه‌های ذینفع خواهان مقالات پژوهشی و دیدگاه‌های علمی و حرفه‌ای در مورد مخالفت با روش لایفو شدند و پژوهش‌های متعدد انجام شده در آن دوران، حکایت از پاسخ به تقاضای توجیه برای گروه‌های مذکور را دارد.

پژوهشگران حسابداری و حسابرسی، اغلب توصیه‌های سیاسی را به عنوان زیربنای بخشی از پژوهش‌هایشان قرار داده‌اند. این توصیه‌ها به وسیله پژوهشگر به کار گرفته می‌شود در حالی که ممکن است هرگز به عنوان توجیه مدیران یا سایر گروه‌های ذینفع به صورت فردی و برای توجیه نفع شخصی مطرح نباشد. با این همه، چون یافته‌های پژوهش به عنوان نفع عمومی مطرح می‌شود، یافته‌های پژوهشگر به وسیله گروه‌های ذینفع به عنوان یک پژوهش موفق منظور می‌شود و هرچه پژوهش خواندنی‌تر باشد بیشتر چاپ و منتشر خواهد شد. تلاش‌های گروه‌های ذینفع برای بازگو کردن کار پژوهشگرانی که از موقعیت آنها حمایت می‌کنند، موجب بقای این پژوهشگران خواهد شد. همانند رفتار بازار، آنهایی که آنچه را تقاضا برای آن وجود دارد تولید می‌کنند، شانس بیشتری برای بقا دارند تا پژوهشگرانی که این کار را نمی‌کنند. با دادن حق الزحمه‌های مناسب و پاداش به پژوهشگران به وسیله گروه‌های ذینفع، رقابت در عرضه پژوهش‌ها، افزایش می‌یابد. براساس یافته‌های پژوهش‌های انجام شده، رهنمودهای مشخص ارائه می‌شود و رهنمودهای مربوط به یک موضوع، احتمالاً به جایگاه گروه‌های ذینفع در جامعه و در فرایند سیاسی، بستگی دارد. نتایج پژوهش‌ها برای تدوین استانداردهای حسابداری و حسابرسی (که خود مشمول فرایند سیاسی است) به کار خواهد رفت و بدین ترتیب، منافع گروه‌های ذینفع تامین خواهد شد. به عنوان مثال **بیانیه شماره ۱۳ هیئت اصول حسابداری**^۶ (APB13) که حاصل پژوهش‌های انجام شده برای گروه‌های ذینفع در مورد ترکیب شرکتهاست و یا **بیانیه شماره ۱۳ هیئت استانداردهای حسابداری مالی**^۷ (FASB 13) و تغییرات بعدی آن، یافته پژوهشی در مورد حسابداری اجاره‌ها برای گروه‌های مذکور است.

برای نشان دادن تاثیر دولت و فرایند سیاسی بر پژوهش‌های حسابداری و حسابرسی و تقاضا برای توجیه در آمریکا، قوانین نظارت، مالیات بردرآمد و لوائح اوراق قرضه، درخور توضیح و اشاره است. توسعه خطوط راه آهن تاثیر بااهمیتی بر پژوهش‌های حسابداری و حسابرسی، شامل نوع استهلاک، نرخهای استهلاک،

روشهای تامین مالی، ارزیابی پروژه های سرمایه گذاری و... داشت. این پژوهشها از سال ۱۸۵۰ در امریکا آغاز شد. پیش از پیدایش راه آهن در واحدهای اقتصادی استهلاک به عنوان یک هزینه سالانه و برای تطابق سیستماتیک درآمدهای یک دوره با هزینه های همان دوره، در نظر گرفته نمی شد. پژوهشهای انجام شده در این مورد که بعدها کاملتر شد، از قبیل پژوهشهای ناش (Nash, 1974)، داد (Dodd, 1954)، استوری (Storey, 1972) و... نشان داد که هزینه استهلاک ضروری است و بنابراین نرخهای استهلاک توجیه پیدا کرد و در پی آن، استانداردهای حسابداری تدوین شد و قوانین مالیات بر درآمد اصلاح و پذیرش هزینه استهلاک به عنوان هزینه های قابل قبول برای مقاصد مالیاتی، رایج شد.

لوائح اوراق قرضه ۱۹۳۳ و ۱۹۳۴ در امریکا موجب تاسیس کمیسیون بورس و اوراق بهادار (با اختیار تنظیم بازار سرمایه و تدوین و توصیه های حسابداری مالی مورد استفاده شرکتها) شد. کمیسیون برای اعمال نظارت بر بازار سرمایه، سیاستگذاری کلی مالی و حسابداری و تدوین استانداردهای حسابداری و حسابرسی، سامان یافت. پژوهشهای گسترده انجام شده به وسیله این کمیسیون از سال ۱۹۳۴ و از اولین بیانیه های صادر شده تاکنون، موجب توجیه و سپس تدوین قوانین و استانداردهای متعددی شده است.

روشهای پژوهش مورد استفاده

روش پژوهش که یکی دیگر از اجزای بااهمیت پژوهش است، مجموعه ای از خط مشی ها، اصول، روشها و رویه هایی است که پژوهشگر در هر پژوهش موظف به رعایت آن می باشد و هویت و شناسنامه پژوهش با آن تعیین می شود و بدون آن شکل نمی گیرد. در پژوهشهای حسابداری، حسابرسی و مالی، روش پژوهش همانند سایر علوم جایگاه ویژه ای دارد و دو نوع روش پژوهش متمایز را شامل می شود:

● روش علمی^۸

● روش طبیعی (تعاملی)^۹

در روش علمی، مسئله باید تعریف شود و ساختار مفهومی پیش از بیان و صورتبندی فرضیه ها و انجام آزمونها، شکل گیرد. ساختار تئوری باید در راستای شناسایی متغیرهای مستقل و وابسته باشد

و گونه ای ارتباط میان متغیرها را ارائه کند. افزون بر این، روش علمی نیاز به ساختار طرح پژوهش و مجموعه ای از کنترلها دارد. این اجزا برای ایجاد استحکام پژوهش (روایی داخلی) و برای اثبات علیتی ضروری اند. به اعتقاد صاحب نظران روش علمی، این عناصر برای استفاده از ساخت تئوری و تایید یا عدم تایید فرضیه ها و یا پرسشهای پژوهش، لازمند.

روش طبیعی (تعاملی)، شکلهای ساختاری پژوهش را رد می کند. هواداران این روش، تئوری شانزمن و استراوس (Schanzman & Strauss, 1973) را دنبال می کنند: "جریان کشف و پرسشهای مطرح شده از سوی پژوهشگر، نیازی به استفاده از هر تئوری از پیش دریافت شده ندارد. چنین تئوری، ناگزیر بخشی از کار نیست مگر پژوهشگر به گونه ای خاص مایل باشد که تئوری را آزمایش کند یا محدودیت فایده ای آن را تعیین نماید. پژوهشگر آزاد است که درباره هر یک از تئوریهای مقتضی و فرضیه های

در ایران نیز نوع پژوهشها

طرحهای پژوهشی

و روشهای جمع آوری داده ها

کم و بیش مشابه پژوهشهای حسابداری

حسابرسی و مالی انجام شده در

امریکا بوده است

مربوط به موضوع مورد مطالعه، بیندیشد و بنابراین خود را به میزان در خور توجهی از تجویزها رها سازد. همچنین، برای پژوهشگر الزامی نیست که با فرضیه های آشکار و صورتبندی شده ای کار کند، هر چند ممکن است مایل باشد که یکی از فرضیه های موجود را بیازماید. برخی از هواداران پیشگام روش طبیعی (تعاملی) پژوهشگران را به انجام پژوهشهای «اکتشافی و جستجوگرانه» دعوت می کنند.

در پژوهشهای حسابداری، حسابرسی و مالی روش طبیعی بیشتر از آنچه فکر کنیم متداول بوده است. این موضوع در بررسیهای اولیه سایمون و دیگران (Seimon et al., 1954) در رابطه با دایره کنترل و مطالعه آرچیریس (Argyris, 1954)

درباره تاثیر بودجه بر مردم، کارهای بنیادین هوفستد (Hofstede, 1967) درباره کنترل بودجه، مقاله‌های پژوهشی لوین و شیف (Lewin & Schiff, 1970) و بیکر (Baker, 1977) به خوبی نمایان است.

برخی از پژوهشهای انجام شده که از روش پژوهش طبیعی به نوعی استفاده کرده‌اند، پژوهشهایی هستند که به شکل سنتی روش مشاهده مشارکتی را به کار برده‌اند. این روش ایجاب می‌کند که مشاهده‌کننده موضوع مورد مطالعه را در حالت طبیعی آن بررسی کند، با این فرض که آن را آزمودنی که مورد مطالعه قرار دارد، نداند. هیچیک از متغیرهای مستقل مورد آزمون به وسیله پژوهشگر تغییر داده نمی‌شوند و هیچ‌گونه مفهوم ساختاری وجود ندارد. این روش، روش اکتشافی نامیده می‌شود. در این مورد می‌توان از برخی از پژوهشها از قبیل، گرین و سیگال (Green & Segall, 1966)، بال و واتس (Ball & Watts, 1972)، فاستر (Foster, 1977)، گرین (Griffin, 1977)، واتس و لفت ویچ (Watts & Leftwich, 1977)، آلبرکت، لوکابیل و مک کون (Albrecht, Lookabill & McKee, 1977)، دنزین (Denzin, 1978) و... نام برد.

هر چند که در بخش اعظم پژوهشهای حسابداری و حسابرسی در امریکا از روش پژوهش علمی که به وسیله ویژگیهای نظام مند، داشتن کنترل روی متغیرهای مزاحم (که به گونه‌ای مستقیم، آزمودنی نیستند) و گنجاندن ساخت تئوری و آزمون فرضیه، مشخص می‌شود، استفاده شده است، با این همه، از این روش علمی پژوهش، در اوایل سده گذشته کمتر استفاده می‌شده است. علت اصلی تاخیر در به کارگیری روش علمی پرهزینه بودن آن بوده است. در نیمه نخست دهه ۱۹۶۰ هزینه‌های پژوهشی کاهش

یافت. رایانه‌ها و پایگاههای اطلاعاتی و ماشینهای بزرگ^۱ در دهه ۱۹۶۰ به طور نسبی در پاسخ به کاهش هزینه‌های پژوهشی در اقتصاد، حسابداری و علوم مالی برای استفاده پژوهندگان در دسترس قرار گرفتند. این امر به توسعه پژوهش علمی منجر شد. هر چند از روشهای پژوهش متعددی از قبیل توصیفی، همبستگی، تجربی، تاریخی و علی مقایسه‌ای در پژوهشهای حسابداری، حسابرسی و مالی در امریکا، استفاده شده و می‌شود با این همه، از دهه ۱۹۹۰ به این سو ماهیت بسیاری از پژوهشهای انجام شده به گونه‌ای بوده است که پژوهشگران ناگزیر از چارچوبهای متداول پژوهش فراتر رفته و آمیزه‌ای از روشهای پژوهش را به کار گرفته‌اند و همچنین برای افزایش روایی و پایایی پژوهشها، کشف جنبه‌های بدیعت و نوتر و نیز امکان مطالعه روابط پیچیده در میان متغیرها، از روشهای ترکیبی^۲ متکی بر کثرت گرایی^۳ روشهای پژوهش استفاده کرده‌اند. در ایران نیز روشهای پژوهش به کار گرفته شده کم و بیش این گونه بوده است. نوع بیشتر پژوهشهای انجام شده در امریکا، توصیفی و کاربردی بوده است. از اوایل سده بیستم تا دهه ۱۹۶۰ بیشتر پژوهشهای حسابداری، حسابرسی و مالی در امریکا، از نوع توصیفی بوده است و پس از آن، نوع پژوهشها به سمت کاربردی و تجربی تغییر یافته است.

طرحهای پژوهش مورد استفاده در امریکا عمدتاً از نوع طرحهای تجربی، نیمه تجربی، پیش آزمون-پس آزمون، چهار گروهی سالمون و سریهای زمانی ناپیوسته بوده و از طریق تجربه‌های آزمایشگاهی، تجربه‌های میدانی، بررسیهای میدانی و پیمایش، داده‌های بیشتر پژوهشهای امریکایی جمع‌آوری شده است.

در ایران نیز نوع پژوهشها، طرحهای پژوهشی و روشهای جمع‌آوری داده‌ها، کم و بیش مشابه پژوهشهای حسابداری، حسابرسی و مالی انجام شده در امریکا بوده است.

پایان سخن

صرف نظر از ایده و پژوهشگر، محیط و روش پژوهش به عنوان دو جزء اصلی هر پژوهش، در امریکا و کشور مادر خور مطالعه و مقایسه پذیر است. در محیط پژوهشی امریکا، برای پژوهش همانند سایر کالاها و خدمات تقاضاهای متعددی وجود دارد.



- 7- Financial Accounting Standards Board (FASB)
- 8- Scientific Method
- 9- Naturalistic (or interactive) Approach
- 10- Compusot, CRSD
- 11- Triangulation
- 12- Pluralistic Methodology

منابع:

- ❖ American Accounting Association, **Report of the Committee on Human Information Processing**, 1977
- ❖ Ball, Roy, and Brown, Philip, **An Empirical Evaluation of Accounting Income Numbers**, Journal of Accounting Research, Vol. 6, No. 2
- ❖ Ball, Roy, and Watts, Ross, **Some Time Series Properties of Accounting Income**, Journal of Finance (June 1972), Vol. 27, No. 3
- ❖ Collins, D.W., **SEC Product-Line Reporting and Market Efficiency**, Journal of Financial Economics, June, 1975
- ❖ Davis, D, Boatsman, J., and Baskin, E., **On Generalizing Research on Security Prices**, The Accounting Review, July, 1986
- ❖ Doby, John T., **An Introduction to Social Research**, Appleton-Century-Crofts, 1967
- ❖ Riahi Belkaoui, A., **Accounting Theory**, University Press Cambridge, London, 2000
- ❖ Jensen, M.C.(ed), **Studies in the Theory of Capital Markets**, NewYork, Praeger Publishers, 2002
- ❖ Rashad Abdel Khalik, A., and Bipin B.Ajinkya, **Empirical Research in Accounting: A Methodological Wiewpoint**, American Accounting Association, 1978
- ❖ **Report of the Committee in Research Methodology in Accounting** (Sterling, Beaver, Caplan, Ijiri, Dickhaut, Livingston, Watson, Scott, Morton, Rhode and Summers), Supplement to the Accounting Review, 1927
- ❖ Ross, L. Watts and Jerold L. Zimmerman, **Positive Accounting Theory**, Prentice-Hall, inc., Englewood Cliffs, New Jersey, 1986
- ❖ Stigler, G.J., **The Theory of Economic Regulation**, The Bell Journal of Economics and Management Science, 2, 1989
- ❖ Wakeman, L.M., **The Function of Bond Rating Agencies, Theory and Evidence**, unpublished working paper, Rochester, N.Y.: University of Rochester, 1987
- ❖ Wheatley, S. M., **The Information Content of Security Prices: Comment**, Unpublished working paper, Rochester, N.Y.: University of Rochester, 2001
- ❖ Zimmerman, J. L., **The Municipal Accounting Maze: An Analysis of Political Incentives**, Journal of Accounting Research, Vol. 15, 1977

پژوهش

فعالیتی است که

در برگیرنده چهار جزء است

ایده

پژوهشگر

روش پژوهش و

محیط



تقاضای آموزشی، اطلاعاتی و توجیه از اصلی ترین تقاضاهای موجود در امریکاست. تقاضای آموزشی از اولین تقاضاها است. مدیران، حسابداران، حسابرسان مستقل، سرمایه گذاران، تحلیلگران مالی، دولت و تمام ذینفعان بازار پول و سرمایه برای تصمیمگیری نیازمند اطلاعات هستند و برای پاسخ به این تقاضا، پژوهشهای لازم انجام می شود. افزون بر این، تقاضا برای توجیه عمل گروههای مذکور و توجیه تصمیمهای دولت، موجب انجام پژوهشهای متعدد در امریکاست. در کشور ما تقاضای آموزشی از قابل تامل ترین تقاضاها برای انجام پژوهش در مقاطع تحصیلات تکمیلی دانشگاهی است و از این نظر تا اندازه زیادی، مشابه امریکاست. از آنجا که سرفصلها و موضوعهای آموزشی حسابداری، حسابرسی و مالی و بیشتر منابع مورد استفاده، برگرفته از موضوعها و منابع مورد استفاده در دانشگاههای امریکاست، بنابراین نوع پژوهش، طرحهای پژوهش، روش پژوهش و روش گردآوری دادهها نیز کم و بیش مشابه است.



پانوشتها:

- 1- Positive
- 2- Securities and Exchange Commission (SEC)
- 3- Self Interest
- 4- Last In First Out (LIFO)
- 5- Internal Revenue Services (IRS)
- 6- Accounting Principles Board (APB)